

تفسیر تطبیقی آیه ۲۱ سوره روم و رویکردهای آن

محمدعلی رضایی اصفهانی*

استاد تفسیر قرآن کریم جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

حمیده شورگشتی**

دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۶)

چکیده

از آنجا که خداوند متعال قرآن را به عنوان چراغ راه بندگانش نازل فرموده تا ایشان با تمسک به این گوهر عظیم راه سعادت و کمال خود را طی کنند، شایسته است تا هر چه بیشتر و بهتر در راه رسیدن به این هدف، از ژرفای آیات این کتاب الهی پرده برداشته شود. یکی از مسائلی که در این کتاب نورانی به آن پرداخته شده، بحث سنت‌های الهی است. یکی از سنت‌های مطرح در قرآن، خلقت زوجی در عالم است. این سنت تا آنجا اهمیت دارد که خداوند از آن به عنوان نشانه خود در زمین یاد می‌کند. این نکته در آیه ۲۱ سوره روم مطرح شده است. در باب تفسیر قرآن، کارهایی در قالب کتاب‌های تفسیر، مقاله و پایان‌نامه‌های قرآنی انجام گرفته است. اما آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شده، نگاه مسئله‌محور به آیه با توجه به نظرات بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت است که تاکنون به این جامعیت کاری صورت نگرفته است. روش این مقاله، نقلی-تحلیلی است. چون زوجیت، قانونی فراگیر در میان همه مخلوقات و جانداران، به ویژه انسان است، ما قائل به تعمیم این سنت به همه افراد جامعه شده ایم؛ یعنی زوجیت فکری، روحی، جسمی و سبب بودن آن برای ایجاد سکن، مودت و رحمت.

واژگان کلیدی: مودت، رحمت، آیه ۲۱، سوره روم.

* E-mail: rezaee.quran@gmail.com

** E-mail: shoorgeshte.quran@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از مسائلی که خداوند در راه رساندن بندگانش به هدف حقیقی‌شان مطرح کرده، بحث ازدواج است. این نکته در آیه ۲۱ سوره روم آمده است که حکیم متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید تا بدان‌ها آرامش یابید؛ و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد. قطعاً در آن‌ها [شانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند].

در این آیه، خداوند رسیدن به آرامش، مودت و رحمت را از برکات وجود همسر برای انسان معرفی می‌فرماید. از آنجا که داشتن زندگی مشترک توأم با این سه ویژگی در جنبه‌های گوناگون برای انسان اهمیت دارد، پس دانستن مفهوم آن‌ها ضروری است و به همین علت، نظر بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت به دو شیوه بررسی رویکردی و تطبیقی جمع‌آوری شده است تا مشخص شود که نگرستن به آیه با رویکردهای مختلف تفسیری چه تأثیری در تفسیر آن دارد و نیز مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه با یکدیگر اختلاف نظر دارند یا نظرات آنان با هم موافق است.

رویکرد، یعنی شیوه نگاه به مسائل مختلف و اینکه از چه زاویه‌ای نگاه کنیم و در بحث تفسیر، یعنی زاویه‌های نگاه مفسران به فرازهای آیه یا گرایش‌های آن‌ها؛ مانند گرایش و رویکرد عرفانی، فلسفی، فقهی و... . تطبیق نیز یعنی برابر ساختن دو چیز با یکدیگر، و «بررسی تطبیقی»، یعنی مقایسه برداشت‌های مفسران شیعه و سنی از یک آیه یا فرازها و عبارات یک آیه از قرآن کریم.

۱. فضای نزول آیه ۲۱ سوره روم

سوره روم هشتادوسومین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره انشقاق و قبل از سوره عنکبوت) و در سالی که ایرانیان بر رومیان پیروز شدند، این سوره نازل شد. در چینش کنونی قرآن، این سوره سی‌امین سوره به شمار می‌آید (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۶: ۱۱۷).

به نظر بیشتر مفسران، از سوره‌های مکی قرآن است و در این شهر نازل شده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۵۵، طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۵۳ و شبر، ۱۴۱۲ق.: ۳۸۵)، ولی مثلاً صاحب تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن به واسطه نقلی می‌نویسد: «تمام این سوره به گفتار حسن در مکه نازل شده، جز یک آیه و آن ﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ...﴾ می‌باشد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۶۰). بنابراین، محتوا و روح سوره‌های مکی در آن منعکس است؛ یعنی بیش از همه چیز، بحث از مسئله «مبدأ» و «معاد» می‌کند؛ چراکه دوران مکه، زمان آموزش اعتقادات اصیل اسلامی، توحید و مبارزه با شرک و نیز توجه به معاد و دادگاه رستاخیز بود، و در لابه‌لای این مباحث، مطالب دیگری در ارتباط با آن‌ها نیز مطرح شده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۵۵).

در بخشی از این سوره، خداوند به بیان نشانه‌های خود در زمین می‌پردازد. نشانه‌هایی از قبیل آیات عظمت خداوند در آسمان و زمین و در وجود انسان‌ها از قبیل خروج حیات از مرگ، و مرگ از حیات، خلقت انسان از خاک، نظام زوجیت و آفرینش همسران برای انسان‌ها و رابطه مودت در میان آن‌ها، آفرینش آسمان و زمین، اختلاف زبان‌ها، نعمت خواب در شب و جنبش در روز، ظهور رعد، برق و باران، حیات زمین بعد از مرگ، و تدبیر امر آسمان و زمین به امر خداوند (ر.ک؛ همان). بنابراین، آیه ۲۱ این سوره نیز در میان این دسته از آیاتش قرار دارد. این آیه با توجه به تفاسیر مختلف، شأن نزول خاصی نداشته است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. خَلَقَ

واژه «خَلَقَ» در لغت به معنای اندازه‌گیری، تدبیر و نظم مستقیم و استوار در امور است و در اصطلاح، ایجاد چیزی است بدون اینکه آن چیز سابقه وجودی داشته باشد و ایجاد آن بدون نمونه باشد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.: ۲۹۶).

۲-۲. لَتَسْكُنُوا

واژه «لَتَسْكُنُوا» از ریشه «سَكَنَ» گرفته شده که در لغت به معنای «ایستادن و ثابت شدن چیزی بعد از حرکت» است و در اصطلاح، به «آرامش یافتن و هر چیزی که موجب آرامش است» اطلاق می‌شود (همان: ۴۱۷).

۳-۲. مَوَدَّةٌ

این کلمه از ریشه «وَدَدَ» است و در لغت به معنای «تمایل به چیزی داشتن» (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳: ۶۴ و فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۹۹)، «دوست داشتن» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۹۲)، «آرزو کردن» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۹۹) و «محبّت» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۵۹ و فیومی، بی تا: ۶۵۳) آمده است. مودّت در اصطلاح به معنای «محبّتی» است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۶۶).

۴-۲. رَحْمَةٌ

از ریشه «رَحِمَ» و در لغت به معنای «مهربانی» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۶۹ و فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۲۴) و «دلسوزی» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۲۳۰ و فیومی، بی تا: ۲۲۳) است. در واقع، مهربانی و رقتی است که مقتضی احسان است نسبت به شخص مرحوم. گاهی فقط در مهربانی و گاهی فقط در احسان به کار می‌رود. رحمت از جانب خداوند، انعام، احسان، بخشش و فضل است و از جانب انسان‌ها، دلسوزی و ترحم (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۷).

«رحمت» در اصطلاح، به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند، به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده، نقصش را رفع کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۶۶).

۳. بررسی رویکردی آیه ۲۱ روم در تفاسیر

اکنون به بررسی این آیه در تفاسیر مختلف پرداخته می‌شود تا مفهوم آن به درستی روشن گردد. این آیه را می‌توان در سه محور مورد بررسی قرار داد:

۳-۱. هم‌جنس بودن زن و مرد در آفرینش خود

در ابتدای آیه، خداوند به این نکته اشاره می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا: و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید.﴾ اشاره به این مطلب که خداوند مرد و زن را از یک جنس آفریده، علاوه بر سوره روم، در سوره‌های نساء ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (نساء، ۱)، اعراف ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (الأعراف / ۱۸۹)، نحل ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾ (النحل / ۷۲)، شورا ﴿جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾ (الشوری / ۱۱) و ذاریات ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ﴾ (الذاریات / ۴۹) نیز آمده‌است و مفسران با رویکردهای متفاوت به این قسمت آیه نظر کرده‌اند که به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. رویکرد قرآنی

در تفسیری در این زمینه مفسر می‌گوید:

«خطاب در این آیه به عموم مردم است. پس همان طور که خداوند برای مردان از جنس خودشان ازواجی آفرید، برای زنان هم از جنس خودشان همسرانی خلق کرده‌است. بنابراین، دوستی و وفاق بین زوجین وجود دارد و منظور خداوند از "مِنْ أَنْفُسِكُمْ"، یعنی از جنس و طبیعت خودتان همسر آفرید» (ر.ک؛ خطیب، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۹۶-۴۹۷).

در تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، مفسر در تفسیر این قسمت چنین مضمونی را می‌آورد:

«"کم" در "لکم"، یعنی همه انسان‌ها از مرد و زن. پس خداوند برای هر کدام از جنس خودش زوجی خلق کرد، به طوری که همسر در زندگی انسان بهترین همدم،

همنشین و رفیق انسان است و فرد با او زندگی مشترک خود را تشکیل می‌دهد و این خود سبب ایجاد جامعه انسانی می‌شود. لام در "لکم" برای نفع است، به گونه‌ای که هر انسانی (چه مرد و چه زن) از همسرش منافع مختلف زوجیت را می‌برد، همان طور "کم" شامل زن و مرد می‌شود، هر کدام از آن‌ها دارای دستگاه تناسلی هستند که فعالیتش جز با پیوستن به دیگری کامل نمی‌شود. در حقیقت، فرزندان که حاصل لذت جنسی هستند. سبب دوام زندگی مشترک می‌شوند و اینان به پدر و مادر خود انس می‌گیرند و آن‌ها را در احتیاجات زندگی یاری می‌کنند و آن احتیاجی که از نظر جنسی و تولیدمثل هر کدام به یکدیگر دارند، همان چیزی است که هر کدام را به سوی دیگری برمی‌انگیزاند و سبب می‌شود همه مشکلات زندگی مشترک را برای دیگری تحمل کنند. "من" در اینجا از نوع جنسیت است؛ یعنی الفت و همنشینی بین زوجین، نه از نوع ایجاد؛ زیرا هر کدام دیگری را ایجاد نمی‌کند و زوجین به آن چیزی که از دیگری ایجاد می‌شود، محرمند و آن همان ولادتی است که حاصل می‌شود» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۴).

در تفسیر المیزان هم در ذیل این آیه آمده که این عبارت به این معناست:

«خداوند برای شما و یا برای اینکه به شما نفع برساند، از جنس خودتان زوج آفرید. هر یک از مرد و زن دستگاه تناسلی دارند که با دستگاه تناسلی دیگری کامل می‌گردد و از مجموع آن دو، توالد و تناسل صورت می‌گیرد. پس هر یک از آن دو فی‌نفسه ناقص و محتاج به طرف دیگر است. از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می‌شود و به سبب همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند و چون بدان رسید، آرام می‌شود، چون هر ناقصی مشتاق به کمال است و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است. این حالت همان شهوتی است که در هر یک از این دو طرف به ودیعت نهاده شده است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۶۶).

۳-۱-۲. رویکرد روایی

در تفسیر صافی نیز نویسنده چنین می‌آورد:

«اینکه خداوند همسران را از جنس خودتان آفرید، به این دلیل است که به او تمایل، انس و الفت پیدا کنید. بنابراین، هم جنس بودن زوجین علت پیوستن آنها به یکدیگر است و اگر جنس آنها مختلف می‌بود، اختلاف جنس عاملی برای ایجاد نفرت بین آنها می‌شد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۱۲۹).

مفسر دیگری نیز این مطلب را در ذیل تفسیر این آیه چنین بیان می‌کند:

«اگر خداوند همه بنی آدم را جنس مذکر قرار می‌داد و جنس مؤنث را از جنس دیگری مثل جن یا حیوان می‌آفرید، نه تنها پیوند بین این دو جنس برقرار نمی‌شد، بلکه به جای آن نفرت ایجاد می‌شد. بنابراین، خداوند با رحمت خود زوج بنی آدم را از جنس خودش قرار داد» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق.، ج ۶: ۲۷۸).

در تفسیر الدر المنثور فی تفسیر المأثور نیز نویسنده در تفسیر این قسمت از آیه معتقد است که حوا از یکی از دنده‌های آدم خلق شده است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۵: ۱۵۴).

بنابر نظرات مفسران در تفاسیر روایی، در مجموع، برای ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾ دو تفسیر ارائه شده است:

الف) خداوند از جنس خود انسان برایش همسر آفریده است.

ب) خداوند از جنس انسان برایش زوجی خلق کرده است. بنابراین، حوا از دنده آدم آفریده شده است.

در بررسی این دو تفسیر می‌توان گفت که تفسیر اول به دلایل زیر کاملاً صحیح است:

الف) این تفسیر، همان تفسیری است که ظاهر این قسمت از آیه بر آن دلالت می‌کند.

ب) آنچه در ادامه می‌آید، یعنی عبارت «لِتَسْكُنُوا»، خود دلیلی دیگر بر صحت این تفسیر است. همان طور که برخی مفسران نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند. اگر همسر انسان از جنس

خودش نمی‌بود، هدف والای ازدواج، یعنی رسیدن به آرامش محقق نمی‌شد. انسان فقط در کنار همدمی از جنس خودش به سکون می‌رسد. اگر خداوند زوج آدمی را از غیر جنس خودش قرار می‌داد، نه تنها آرامش برایش به ارمغان نمی‌آورد، بلکه به سبب ایجاد نفرت، نوعی تشویش خاطر ایجاد می‌کرد.

درباره تفسیر دوم نیز می‌توان به این نکات اشاره کرد:

الف) ظاهر آیه به این مطلب که حوا از دنده آدم خلق شده‌است، دلالت نمی‌کند؛ زیرا آیه درصدد بیان کیفیت آفرینش نیست. تنها چیزی که از آیه برداشت می‌شود، این است که خداوند از جنس خود بشر برایش زوج آفریده‌است. هرچند در روایات آمده که از دنده آدم خلق شده، لیکن از خود آیه چنین مطلبی استفاده نمی‌شود و چیزی که بر آن دلالت کند، در آیه وجود ندارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۱۳۶).

ب) صحت سند روایاتی که این دسته مفسران برای اثبات سخن خود به آن تمسک می‌کنند، به درستی مشخص نیست؛ مانند همان روایتی که در جامع‌البیان نویسنده بیان کرده‌است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۸۱). بنابراین، این گونه تفسیر کردن آیه صحیح نیست.

۳-۱-۳. رویکرد تربیتی

مفسران در معنای «انْفُسِكُمْ» می‌گویند «خداوند از جنس خودتان برایتان زوج آفریده‌است» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق: ۴۱۸؛ مغنیه، بی تا: ۵۳۳؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۴۴۴ و ثقفی تهرانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۵۰). مفسر التفسیر الواضح می‌گوید: «از آیات خداوند این است که از جنس شما برایتان زنان را خلق کرد. مردان و زنان در انسانیت و در فطرت انسانی که عمومی است و در غرایز با هم یکسان هستند» (حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۲۲).

در تفسیری دیگر آمده‌است:

«مردم احساسات خود را در قبال جنس دیگر می‌دانند و اعصاب و عواطف خود را برای ارتباط بین دو جنس مشغول می‌کنند و خطاهایشان را کم می‌کنند و فعالیت‌هایشان را در راستای آن الگوهای مختلف احساسات و جهت‌گیری بین مرد و زن انجام می‌دهند. به درستی که آن‌ها خیلی کم یادآور می‌شوند این قدرت الهی را که از جنس آن‌ها برایشان زوجی خلق کرد و نفس آن‌ها این عواطف و احساسات را به ودیعت نهاد و در این زمینه، آرامش را برای نفس و اعصاب، آسایش را برای جسم و قلب، ثبات را برای زندگی و معاش، انس را برای روح و دل، و اطمینان را به طور یکسان برای مرد و زن قرار داد. تعبیر قرآنی لطیف و نغز این رابطه را به صورت تصویر زنده و گویا بیان می‌کند و چه بسا تصویری از اعماق قلب و حس را ارائه می‌دهد:

﴿تَسْكُنُوا إِلَيْهَا... وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً﴾ (شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۲۷۶۳).

۳-۱-۴. رویکرد اجتماعی

مفسران این نوع تفاسیر نیز قائل هستند که مردان و زنان از یک جنس مشترک برخوردارند (ر.ک؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۹۹۳ و مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۹۱). یکی از مفسران می‌نویسد:

«در باب آرامش جسمی و روحی، و ثبات فطری، ذاتی و آرامش عاطفی در طبیعت تکامل انسانی در ارتباط مرد با زن، هر کدام از آن‌ها احساس می‌کند که دیگری جزئی از ذاتش و قسمتی از وجودش است تا جایی که اگر هنگامی احساس کند از او دور شده است و از او محروم است، در حالت سخت و دشواری به سر می‌برد. این احساس به واسطه طبیعت کشش ذاتی است که وجود انسان را به واسطه فطرتی که خدا همه مردم را بر آن آفریده، برمی‌انگیزاند. مسئله ارتباط متکامل زن و مرد، فقط به جنبه جنسی خلاصه نمی‌شود، بلکه سایر جنبه‌های روحی و احساسی که اقسام زیادی دارند و رغبت‌ها و آمال را نیز در بر می‌گیرد. این چنین است تعبیر به آرامش در حوزه ارتباطات زناشویی. این تعبیر، تعبیر گویایی است که در آن علاوه بر آرامش جسمی (که با اشباع و ارضا شدن غریزه جنسی دیگر تمام می‌شود)، به آرامش روحی که به واسطه آن انسان از احساس تنهایی، گوشه‌گیری و

وحشت خارج می‌شود و احساس انس و پیوستگی به دیگری را نیز در بر می‌گیرد. به واسطه ازدواج، آرامش روحی در ذات انسان ایجاد می‌شود و چه بسا تعبیر به کلمه "أَزْوَاجًا" حاکی از ارتباط زناشویی است که نمایانگر پیوند محکم و استوار شرعی بین زن و مرد می‌باشد. پس آن دیگر احساس خلاء روحی در درون خودشان ندارند، به گونه‌ای که احساس می‌کند آنجا انسانی منتظر اوست و مختص اوست و با او عهده‌دار تمام مسائل زندگی در جزء جزء آن است، همان طور که فرد در قبال خودش نیز مسئولیت دارد. در صورتی که ارتباطات آزاد جنسی مانند این ارتباط شرعی زن و مرد، بیانگر عمق احساسات در آرامش روحی نیست، چون اشخاص در چنین ارتباطی از لذت جسمی که شهوتشان آن را خواستار است، ارضا می‌شوند. اما آن‌ها به خودشان (نفسشان) که رجوع می‌کنند، احساس خلاء روحی دارند و بدترین حالت را در خودشان احساس می‌کنند؛ زیرا جنبه جسمی به تنهایی ارضا شده است و دیگر آرامش روحی را برای شخص به دنبال نمی‌آورد» (فضل‌الله، ۱۴۱۳ق.، ج ۱۸: ۱۱۴-۱۱۵).

۳-۱-۵. رویکرد کلامی

در تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، نویسنده در معنای «أَنْفُسِكُمْ» چنین می‌آورد: «نفس در اصل همان ذات است» (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۴۰). بنابراین، آیه چنین معنا می‌شود: «از نشانه‌های خداوند این است که از ذات خودتان برایتان زوج آفرید».

فخر رازی در ذیل این قسمت از آیه دو مسئله را بیان می‌کند:

«مسئله اول اینکه خداوند فرمود: ﴿خَلَقَ لَكُمْ﴾، دلیل بر این است که زنان از نظر داشتن منافع، مانند چهارپایان، گیاهان و باقی مخلوقات خلق شدند؛ چنان که خداوند در آیه ۲۹ سوره بقره فرموده است: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ﴾ و این اقتضا می‌کند که زنان برای عبادت و تکلیف خلق نشده باشند. پس می‌گوییم زنان همانند چهارپایان برای ما خلق شدند و خداوند آن‌ها را برای ما خلق کرد و تکلیف آن‌ها اتمام نعمت است بر ما، نه آوردن تکلیف که برای ما بیاورند و این از سه جهت است: نقل، حکم و معنا. نقل، این است و غیر این. اما حکم، زنان مکلف نشده‌اند به تکالیف زیادی مانند آنچه که مردان مکلف شده‌اند. اما معنا؛

به درستی که زن از نظر جسمی ضعیف خلق شده است و سبک مغز (سخیفه) است. پس شبیه کودکان هستند و کودکان مکلف نشده‌اند. پس مناسب این است که زنان شایستگی داشتن تکلیف را نداشته باشند. اما نعمت بر ما تمام نمی‌شود، مگر به ترساندن هر کدام از آن‌ها از عذاب تا اطاعت کند از شوهرش و خودداری کند از حرام‌ها و در غیر این صورت، فساد ظاهر می‌شود. مسئله دوم دربارهٔ ﴿مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾ است. بعضی گفته‌اند منظور این است که حوا از جسم آدم خلق شده، اما نظر صحیح این است که از جنس شما برایتان زوج آفرید، همان طور که در آیهٔ ۱۲۸ سورهٔ توبه آمده است: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾ (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ۹۱).

در پاسخ فخر رازی می‌توان گفت:

۱. او معتقد است که زنان مانند چهارپایان برای منفعت رساندن خلق شده‌اند! بنابراین، عبادت و تکلیفی ندارند. این در حالی است که ظاهر همین آیه پاسخی به این مطلب است. خداوند در اینجا می‌فرماید که زوج شما از جنس خودتان خلق شده است. بنابراین، زن و مرد از یک جنس آفریده شده‌اند. پس معنا ندارد که گفته شود زنان همانند چهارپایان تکلیفی ندارند و مردان تکلیف دارند! دلیلی نیز بر برتری مردان بر زنان در قرآن و روایات وجود ندارد، بلکه خداوند تقوا را ملاک برتری می‌داند: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾ (الحجرات / ۱۴).

۲. در کلام او نوعی تناقض وجود دارد، چون ابتدا می‌گوید زنان برای نفع‌رسانی خلق شده‌اند و در قسمت بعد به هم جنس بودن زن و مرد اشاره می‌کند.

با این دو نکته پاسخ تمام نکاتی که فخر رازی در اینجا بیان کرده است، داده می‌شود.

۳-۶۱. رویکرد عرفانی

مؤلف انوار درخشان می‌گوید:

«یکی از آثار توحید افعالی این است که خداوند بشر را از دو نوع جفت آفرید و از زنان و مردان تشکیل داد. در اثر اینکه هر کدام را به جهاز تناسلی مجهز کرده که

هر یک نقصی دارد که فقط با وجود دیگری آن نقص جبران می‌شود، به این صورت که در مردان نیروی تأثیر، تولید و در زنان نیروی اثرپذیری را قرار داد که این مهم از طریق ازدواج انجام می‌گیرد و هر کدام نقص خود را با دیگری رفع می‌کند و به این صورت، نسل بشر در جهان استوار می‌ماند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۲: ۴۰۳).

مفسر دیگری می‌نویسد: «منظور از ﴿مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾، از جنس خودتان است. پس خداوند از جنس خودتان برایتان زوج آفرید» (گنابادی، ۱۴۰۸ق.، ج ۳: ۲۱۷؛ نججوانی، ۱۹۹۹م.، ج ۲: ۱۱۸؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۴۱؛ بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۸۹ و نووی جاوی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۲۲۸).

۴. رسیدن به آرامش؛ هدف والای ازدواج

در ادامه آیه، خداوند می‌فرماید: ﴿لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ تا در کنار آن‌ها آرامش یابید. در واقع، این جمله بیانگر دو نکته است: الف) هم‌جنس آفریدن زوج انسان به این دلیل است که دو هم‌جنس در کنار هم آرامش می‌گیرند. ب) هدف از ازدواج، رسیدن به آرامش است. حال به بررسی تفسیر این قسمت از آیه در تفاسیر مختلف پرداخته می‌شود.

۴-۱. رویکرد قرآنی

مفسری در معنا به چنین مضمونی اشاره می‌کند که آرامش در کنار همسر، عمومی است و اختصاصی به مردها یا زن‌ها ندارد (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق.، ۴۰۶).

در تفسیر القرآن، مفسر می‌نویسد:

«این قسمت از آیه برای بیان نعمت است و کاشف از وجه حکمت در آن است که در کنار هم بودن انسان با انسانی دیگر، مرد با زن، جان انسان آسایش و نشاط می‌یابد و احساسات آرامش پیدا می‌کنند و قلب‌ها آرام می‌گیرند... پس نعمتی والاتر و بزرگتر از نعمت آرامش خاطر که به انسان بخشیده شده، نیست» (خطیب، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۹۷).

۲-۴. رویکرد روایی

برخی مفسران در معنا می نویسند: «تا اینکه با او انس و الفت پیدا کنید» (کاشانی، ۱۴۱۰ق.، ج ۲: ۱۰۷۲ و کاشانی، ۱۴۲۳ق.، ج ۵: ۲۵۸). مفسر دیگری می گوید: «تا میل کنید به سوی این ازواج به سبب جنسیت؛ زیرا جنسیت سبب میل و الفت است» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۵۴۸). در برخی تفاسیر نیز این گونه آمده است: «برای اینکه به آن‌ها تمایل پیدا کنید و به آن‌ها انس بگیرید. بنابراین، هم جنس بودن علت پیوند آن‌هاست و اختلاف جنس، علت نفرت آن‌ها از یکدیگر است» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۱۸۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷: ۱۶۹ و فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۱۲۹).

در تفسیر نور الثقلین، مفسر روایتی را از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که به بنت جَحْش فرمودند:

«دایی تو حمزه کشته شد. پس برگشت و گفت: گمان می کنم که او نزد خداست. سپس به او گفت برادرت کشته شد. پس برگشت و گفت گمان می کنم که او نزد خداست. سپس به او گفت: همسرت کشته شد. پس دستش را روی سرش گذاشت و فریاد زد. سپس رسول خدا (ص) فرمودند: هیچ چیز نمی تواند جای شوهر را برای زن پر کند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۱۷۴).

۳-۴. رویکرد تربیتی

در تفسیر اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، مفسر مطلبی بدین مضمون را بیان می کند:

«بین همسران با وجود اینکه هیچ گونه انتسابِ رحمی یا شغلی یا معاشرتی بین آن‌ها نبوده، بلکه بسا از یک شهر و یک محله و یک مملکت هم نیستند، اُنس به یکدیگر، الفت بین این دو و سکون و اطمینان بین آن‌ها ایجاد می شود» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۷۵).

در تفسیری دیگر، مفسر این قسمت را چنین معنا می‌کند: «تا اینکه با او انس و الفت پیدا کنید» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق.: ۴۱۸؛ همان، ۱۴۲۴ق.، ج ۴: ۲۳۵؛ شبیر، ۱۴۱۲ق.: ۳۸۷ و میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۴۴۴).

در التفسیر الواضح مفسر معتقد است:

«انسانی که در امر حلال در کنار زنی قرار می‌گیرد، به روشنی معنای آرامش در کنار او، تمایل به او و آرامش نفسی را هنگامی که او را ملاقات می‌کند، درک می‌کند و از اینجا نام مکانی که مرد در آن زن را می‌بیند، مسکن نامیده شده‌است، به سبب اینکه در آن نفس تسکین می‌یابد و آرام می‌شود و مرد اطمینان پیدا می‌کند و از سختی‌ها و مشکلات زندگی به راحتی می‌رسد. در روایت آمده‌است که وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح او را لعنت کنند» (حجازی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۲۲).

۴-۴. رویکرد اجتماعی

در تفسیر نمونه این گونه آمده‌است: «قرآن در این آیه، هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده‌است و با تعبیر پرمعنی ﴿لِتَسْكُنُوا﴾ مسائل بسیاری را بیان کرده‌است و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده‌است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۹۱). به‌راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آنهاست، یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود (ر.ک؛ همان).

این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی، نشاط و پرورش یکدیگر هستند، به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد (ر.ک؛ همان). از اینجا می‌توان نتیجه گرفت آن‌ها که پشت پا به این سنت الهی می‌زنند، وجود ناقصی دارند؛ چراکه یک مرحله تکاملی آن‌ها متوقف شده (مگر آنکه به‌راستی شرایط خاص و ضرورتی ایجاب تجرد کند (ر.ک؛ همان: ۳۹۲). به هر حال، این آرامش و سکونت هم از نظر جسمی است و هم از نظر روحی

و نیز هم از جنبه فردی و هم از نظر اجتماعی. بیماری‌هایی که به سبب ترک ازدواج برای جسم انسان پیش می‌آید، انکارشدنی نیست. همچنین، نداشتن تعادل روحی و ناآرامی‌های روانی که افراد مجرد با آن دست به گریزند، کم‌وبیش بر همه روشن است. از نظر اجتماعی، افراد مجرد کمتر احساس مسئولیت می‌کنند و به همین سبب، انتحار و خودکشی در میان مجردان بیشتر دیده می‌شود و جنایات هولناک نیز از آن‌ها بیشتر سر می‌زند. هنگامی که انسان از مرحله تجرد گام به مرحله زندگی خانوادگی می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند و این است معنی احساس آرامش در سایه ازدواج (ر.ک؛ همان).

۴-۵. رویکرد کلامی

در تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن مفسر می‌نویسد: «این عبارت، یعنی انس و آرامش، به سبب اینکه همسر از جنس و شبیه خودش است، پس به او بهتر می‌تواند الفت پیدا کند به واسطه مودت، در صورتی که اگر همسرش از غیرجنس او می‌بود، این گونه انس و الفت بین آن‌ها برقرار نمی‌شد» (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۴۰).

فخر رازی در تفسیرش بر این موضوع اعتقاد دارد که دو جنس مخالف در کنار یکدیگر آرامش پیدا نمی‌کنند؛ یعنی نفسش با او آرام نمی‌شود و قلبش به او تمایلی ندارد. او نظرهای سایر مفسران مبنی بر تمایل زوجین به یکدیگر و آرامش حاصل از ازدواج را به عنوان یک قول مطرح می‌کند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ۹۱).
ضعف قول فخر رازی به سه دلیل زیر مشخص می‌شود:

الف) تفسیری که او از این جمله آورده، مخالف ظاهر آیه است. در اینجا جمله ﴿لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ آمده که یک جمله مثبت است و در آن، ادات نافی نیامده است و به معنای «تا در کنار او آرامش بگیرید» است، در حالی که فخر رازی این جمله را منفی تفسیر کرده است.

ب) در روایات به چنین مضمونی اشاره نشده، بلکه عکس تفسیر او بیان شده است؛ همانند روایتی از پیامبر اکرم (ص) که در مطالب قبل بیان شد.

ج) سایر مفسران با رویکردهای مختلف تفسیری، نظر فخر رازی را رد می‌کنند و خلاف آن را در تفاسیر خود آورده‌اند.

۶.۴. رویکرد عرفانی

در تفسیر *انوار درخشان* آمده‌است:

«هر یک از مرد و زن مجهز به جهاز و عضو درونی و بیرونی است که به یکدیگر نیاز مبرم دارند و فقط از طریق ازدواج و همزیستی حاجت هر یک برآورده خواهد شد. همچنین، خاطر هر یک به وسیله ازدواج و همزیستی سکونت و استقرار خواهد یافت و هنگام جوانی و رشد پسر و دختر، از نظر حاجت مبرم به همزیستی از طریق ازدواج، خاطر هر یک سکونت و استقرار خواهد یافت و هر دو به منزله عضو مرکب است که پروردگار امر تولید و توالد و بقای نسل را در جهان بدان استوار نموده‌است» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲: ۴۰۳).

مفسر دیگری می‌گوید: «همسر انسان از جنس خود اوست تا به همسرش تمایل پیدا کند؛ زیرا اگر از جنسی دیگر می‌بود، بعد از قضای حاجت از او نفرت پیدا می‌کرد» (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۲۱۷). مفسری دیگر در تفسیر ﴿لَتَسْكُنُوا﴾ می‌نویسد: «تا به آن‌ها آرام گیرید» (صفیعلی‌شاه، ۱۳۷۸: ۵۷۲ و میدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۴۱). مفسر دیگری می‌نویسد:

«با او انس گیرد و بین آنان محبت و شفقت استوار گردد؛ زیرا اگر جفت انسان از غیرجنس او بود، هرگز ممکن نبود که با هم انس گیرند و آمیزش نمایند و بین آن‌ها محبت و ملایمت پدید گردد تا آنکه از آنان تولیدمثل شود و افراد بشر در زمین منتشر گردند» (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۸۹). در تفسیر دیگر چنین مضمونی آمده‌است: «انسان به واسطه هم‌جنس بودن به زوجش تمایل پیدا می‌کند و با او آرام می‌شود؛ زیرا هم‌جنس بودن سبب تمایل است و اختلاف در جنس، سبب نفرت است (ر.ک؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۸۹۹).

۵. مودّت و رحمت، هدیه‌ای الهی به زوجین

در ادامه آیه، خداوند به موضوع مودّت و رحمت اشاره می‌کند که آن را در بین همسران ایجاد می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾. بحث در باب معنای لغوی و اصطلاحی مودّت و رحمت در بخش اول گذشت.

۵-۱. رویکرد قرآنی

در *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، مفسر مودّت را همان حالت در ابتدای ازدواج زن و مرد می‌داند و رحمت را حالتی که بعد از آغاز زندگی مشترک به وجود می‌آید و رحمت چیزی زاید بر مودّت است (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۴۰۶). مفسر دیگری معتقد است:

«مودّت و رحمت دو امری هستند که از الفت و آرامش ناشی می‌شوند و اگر این دو مسئله نبودند، مودّت و رحمت هم ایجاد نمی‌شد. بدین سبب، نظم قرآن آمد تا بین دو امر فرق بگذارد، پس مشابهت را در اصل خلقت طبیعت بشری بین مردم، چه مرد و چه زن لحاظ کرد و مودّت و رحمت را به عنوان یکی از اعراض این طبیعت و ثمره‌ای از ثمره‌هایش قرار داد و از آن به لفظ "الجعل" تعبیر کرد» (خطیب، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۹۷).

این یکی از اعجازهای قرآن است که در اسلوب زیباییش و بزرگی صدقش متجلی شده است. چون هر رویارویی بین دو طبیعت مثل هم، مودّت و رحمت را ایجاد نمی‌کند، اگرچه شأن آن‌ها این باشد که با هم جمع و نزدیک شوند. پس به درستی که مودّت و رحمت ثمره معاشرت، توافق و تناسب بین دو نفر و به کارگیری سختی و تلاشی است که هر کدام متحمل می‌شود و به اندازه آن تلاش و این تحمل رنج و سختی، مودّت و رحمت ایجاد می‌گردد (ر.ک؛ همان: ۴۹۷-۴۹۸).

در یکی دیگر از تفاسیر، مفسر با رویکرد قرآن به قرآن می‌نویسد:

﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ به سبب محکم کردن روابط پایدار بین زوجین است. بنابراین، مودت همان محبتی است که در عمل آشکار باشد. مودتی که بین زوجین قرار داده شده، در دوستی و آمیزش آنها آشکار است، اگرچه مانعی در بین ایجاد نشود. پس زندگی مشترک دوستانه - اگر موانع ایجاد نشود - احساسات و روان، سخنان و فعالیت‌ها و همه پیوندها و گسستن‌هایشان را مشغول می‌کند و به حق روایت شده از رسول خدا^(ص) که فرمودند: «مَا يَغْدِلُ الزَّوْجَ عِنْدَ الْمَرْأَةِ شَيْءٌ» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۵).

رحمت بعد از مودت است که بعد از ولادت فرزندان بین والدین ایجاد می‌شود و یا تأثیر نفسانی مثبتی است که به واسطه مودت شکل می‌گیرد و منفی است. هنگامی که مرد همسرش را برای حاجتی ناتوان می‌بیند، پس برای جبران آن به اندازه توانش تلاش می‌کند، همان طور نیز نسبت به فرزندان کوچک و برای احتیاجات آنان تمام تلاش خود را می‌کند.

از سوی دیگر، هر گاه دوران جوانی بگذرد، با آن جمال و زیبایی نیز پنهان می‌شود و قوه جنسی ضعیف می‌شود و اولاد آن شکستگی را جبران می‌کند، به گونه‌ای که انوار رحمت پنهان در پشت تاریکی شهوت جنسی آشکار می‌شود. پس پیوسته رحمت، همدمی و همدردی را بین آن دو زیاد می‌کند (ر.ک؛ همان: ۱۳۶).

مفسر دیگر می‌نویسد:

«کلمه "مودت" تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد. در نتیجه، نسبت مودت به محبت، نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع آن خشوعی را گویند که اثرش در مقام عمل هویدا شود، برخلاف خشوع که به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید... رحمت نیز به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات دهد و نقصش را رفع کند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۶۶).

۲-۵. رویکرد روایی

در تفسیر روایی دیگری، مفسر این گونه می آورد:

«و قرار داد میان شما و ازواج شما و میان افراد جنس شما، بعد از آنکه سابقه معرفت نبود، میان شما دوستی و مهربانی، یا به واسطه ازدواج تا موجب انتظام امر معاش باشد؛ زیرا تعیش انسان موقوف است بر تعارف و مودت و رحمت» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ۲۸۲؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۵۴) از «زیرا» به بعد در این تفسیر نیامده است؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق.، ج ۷: ۱۶۹-۱۷۰ و شیر، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۸۳.

مفسر دیگری این عبارت را چنین معنا می کند:

«خداوند بین مردان و زنان مودت قرار داد و مودت همان محبت و رحمت همان مهربانی است. به درستی مرد همسری که برمی گزیند یا به دلیل محبت به اوست، یا رحمت؛ زیرا آن زن از او فرزندی دارد و یا به مرد در نفقه اش محتاج است و یا به دلیل الفت بین آنهاست» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق.، ج ۶: ۲۷۸).

مفسر دیگری می نویسد:

«خداوند در بین شما به واسطه ازدواج، مودت را قرار داد که به واسطه آن به یکدیگر محبت می کنید و به سبب آن با یکدیگر رابطه برقرار می کنید و علاوه بر مودت، بین شما رحمت را قرار داد که به واسطه آن به یکدیگر رحم می کنید» (طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲۱: ۲۱ و ابن جوزی، ۱۴۲۲ق.، ج ۳: ۴۲۰).

بنا بر نظرهای مطرح شده، مودت را می توان به عشق و محبت معنا کرد و رحمت را همان مهربانی، دلسوزی و رحم کردن دانست (در برابر این نظرها، برخی مفسران مودت را به جماع و رحمت را به فرزند معنا می کنند. این نکته وجود دارد که شاید این مفسران تفسیر به فایده و نتیجه کرده اند، نه تفسیر به معنا و مفهوم آیه (ر.ک؛ ابی حاتم، ۱۴۱۹ق.، ج ۹: ۳۰۹۰ و سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۵: ۱۵۴).

۳-۵. رویکرد تربیتی

در یکی از این تفاسیر، عبارت این گونه معنا شده است: «احسان به یکدیگر، خدمت به یکدیگر، دلسوزی نسبت به یکدیگر و یا حتی بسا او را بر خود مقدم می‌دارد» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۷۵).

در برخی تفاسیر، مودت به «دوست داشتن» و رحمت به «مهربانی» معنا شده است (ر.ک؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق: ۴۱۸؛ همان، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۲۳۵ و میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۴۴۴).

در التفسیر الواضح آمده است:

«خداوند بین شما مودت، محبت و ارتباط روحی قوی قرار داد که در اغلب اوقات به ارتباط شما با نزدیکترین مردم با شما برتری دارد و شریعت این مطلب را به خوبی در محاسبات ارث، نفقه و... لحاظ کرده است... و بین شما رحمت، دلسوزی و همدردی عمیق را که منشاء آن غریزه جنسی و ارتباطات مادی نیست، قرار داد، بلکه سرچشمه آن ارتباط روحی و نفسی و با هم بودن به هدف واحد و بنای زندگی مشترک بر مبنای آیه کریمه ﴿هُنَّ لِيَاْسُكُمْ وَ اَنْتُمْ لِيَاْسُ هُنَّ﴾ است» (حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۲۲).

۳-۴. رویکرد اجتماعی

در تفسیر من وحی القرآن، مفسر می‌نویسد:

«در آنچه در عمق احساس مرد و زن از احساس عشق و دوستی و نیز ارتباط مهربانانه تپنده به روح که پنهان شده در چرخه زندگی آنها به ودیعه گذاشته شده است، در آنچه یکی از آنها از جانب دیگری به عهده می‌گیرد و مسئولیت آن را متحمل می‌شود، پس به درد می‌آید از دردش و شاد می‌شود به شادی او، و مراعات او را در حالت ضعفش می‌نماید، به سبب آن رحمتی که متحرک ذات، روح و احساس است. این همان سر اعجاز در طبیعت انسانی است که تنوع در خصوصیات ذاتی او

وجود دارد، ولی او از جهت واحد حرکت می‌کند و تکامل از خلال احتیاج هر خصوصیت به خصوصیت دیگری ایجاد می‌شود، به گونه‌ای که معنای زندگی را بدون تکامل به همراه او گم می‌کند و برای همین، زن با مرد به صورت اتوماتیک با محبت، توجه، تمایل به او و رحمتی که در حرکت احساس و فعالیت‌ها شتاب می‌بخشد، برخوردار می‌کند» (فضل‌الله، ۱۴۱۳ق.، ج ۱۸: ۱۱۴-۱۱۵).

در تفسیر نمونه آمده است:

«مسئله "مودت" و "رحمت" در حقیقت "ملاط" و "چسب" مصالح ساختمانی جامعه انسانی است؛ چراکه جامعه از فرد فرد انسان‌ها تشکیل شده است، همچون ساختمان عظیم و پرشکوهی که از آجرها و قطعات سنگ‌ها تشکیل می‌شود. اگر این افراد پراکنده و آن اجزای مختلف با هم ارتباط و پیوند پیدا نکنند، "جامعه" یا "ساختمانی" به وجود نخواهد آمد. آن کس که انسان را برای زندگی اجتماعی آفریده، این پیوند و ربط ضروری را نیز در جان او ایجاد کرده است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۹۲).

البته این آیه مودت و رحمت را میان دو همسر بیان می‌کند، ولی این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر «بینکم» اشاره به همه انسان‌ها باشد که دو همسر یکی از مصادیق بارز آن محسوب می‌شوند؛ زیرا نه تنها زندگی خانوادگی، بلکه زندگی در کل جامعه انسانی بدون این دو اصل یعنی مودت و رحمت امکان‌پذیر نیست و از میان رفتن این دو پیوند، و یا حتی ضعف و کمبود آن، مایه هزاران بدبختی، ناراحتی و اضطراب اجتماعی است (ر.ک؛ همان: ۳۹۳).

۵-۵. رویکرد کلامی

در التبیان فی تفسیر القرآن، مفسر عبارت را این گونه معنا می‌کند:

«خداوند بین شما رحمت و مهربانی را قرار داد؛ زیرا هر یک از زوجین بر دیگری رحم می‌کند که مهربانی بر آن افزون می‌شود به واسطه آنچه خداوند در قلب هر یک قرار داده، نسبت به همسرش تا خرسندیش کامل شود» (طوسی، بی تا، ج ۸: ۲۴۰).

فخر رازی در تفسیرش می‌نویسد:

«در باره این جمله، نظرهایی وجود دارد: ۱- مودّت همان جماع است و رحمت، فرزندان هستند که اینان به آیه دوم سوره مریم تمسک می‌کنند. ۲- محبت حالت احتیاج شخص است و رحمت نیاز همنشین وی به اوست. ۳- دو نکته در اینجا باید ذکر شود: الف) زوجین از یک جنس می‌باشند. ب) هم‌جنس بودن منجر به آرامش همسران نزد هم می‌شود. بنابراین، مودّت در ابتدا می‌باشد، سپس آن منجر به رحمت می‌شود و به سبب همین نکته است که وقتی زن شهوت جنسی خود را به واسطه پیری یا بیماری از دست می‌دهد، مرد با او باقی می‌ماند و برعکس» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۵: ۹۱-۹۲).

۶-۵. رویکرد عرفانی

در تفسیر *انوار درخشان* آمده است:

«مبنی بر توحید افعالی و اعلام منت بر سلسله بشر است که درباره هر یک از مرد و زن و شوهر و همسر او به حکم فطرت، دوستی و رابطه قلبی مقرر داشته که در نتیجه ازدواج و همزیستی از نظر کمال حاجت و نیاز هر یک به دیگری محبت و رابطه قلبی خاطر هر یک را به دیگری وابسته است و هر دو را به تمام معنا به هم آمیخته، به منظور اینکه خانواده و اجتماع کوچک تشکیل دهند و ثمره و بهره آن تحقق پذیرد و آثار آن دو گسترش یابد و بر این اساس، انتظام جهان از هر لحاظ صورت پذیرد و در نتیجه، فرزندان به وجود آیند که ثمره وجود آن دو بوده، علاقه بیشتری به فرزند خود خواهند داشت» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۲: ۴۰۳-۴۰۴).

در تفسیر دیگری، عبارت این گونه معنا شده است: «محبت و مهربانی و دلسوزی کردن تا اینکه این محبت سبب با یکدیگر بودن همسران و تداوم این اجتماع می‌گردد و آن دلسوزی سبب حفظ کردن یکدیگر و اهتمام به خیر و اصلاح او می‌شود» (گنابادی، ۱۴۰۸ق.، ج ۳: ۲۱۷). در تفسیر دیگر مودّت و رحمت به دوستی و مهربانی معنا شده است (ر.ک؛ صفیعلی‌شاه، ۱۳۷۸: ۵۷۲ و میدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۴۲).

مفسر دیگر آورده است: «خداوند بین شما و همسرانتان دوستی و مهربانی را ایجاد کرد که مودت به مجرد ازدواج کردن و رحمت به سبب تولد فرزندان و یا مودت بر خردسالان و سالخورده‌گان ایجاد می‌شود» (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۸۹۹).

۶. تفسیر تطبیقی آیه مودت و رحمت

همان گونه که در بررسی رویکردی، آیه به سه قسمت تقسیم و آنگاه مورد بررسی قرار گرفت، در بررسی تطبیقی نیز آیه در سه عنوان بررسی می‌شود.

۱-۶. هم‌جنس بودن زن و مرد در آفرینش

مفسران شیعه در باب این قسمت از آیه معتقدند که خداوند از جنس خود انسان برایش همسری آفریده است (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ۲۴۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۱۲۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۶۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق.: ۴۱۸؛ بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۸۹؛ مغنیه، بی تا: ۵۳۳؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۲: ۴۰۳؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق.، ج ۳: ۲۱۷؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۴۴۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۹۱؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۵۰ و ادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۴).

هم‌جنس بودن زوجین سبب می‌گردد که با یکدیگر انس و الفت پیدا کنند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۱۲۹؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۴ و فضل‌الله، ۱۴۱۳ق.، ج ۱۸: ۱۱۴-۱۱۵) و به دلیل نقصی که هر کدام دارند، به سمت دیگری متمایل شوند (ر.ک؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۲: ۴۰۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۶۶ و ادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۴) و از هم نفع ببرند (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۴).

مفسران اهل سنت نیز قائل‌اند که خداوند همسر انسان را از جنس خودش آفریده است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲۱: ۲۱؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق.، ج ۷: ۲۹۹ (در این تفسیر آمده که خداوند از جنس خودتان برایتان همسر آفرید و آنها را از جنس جن قرار نداد)، فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۵: ۹۱؛ بغوی، ۱۴۲۰ق.، ج ۳: ۵۷۵ (در این تفسیر آمده، خداوند از جنس

خودتان از بنی آدم برایتان زوجی آفریده است)، میدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۴۱؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق.، ج ۳: ۳۹۰؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق.، ج ۶: ۲۷۸؛ نخجوانی، ۱۹۹۹م.، ج ۲: ۱۱۸؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۲۲۸؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۷۶۳؛ خطیب، بی تا، ج ۱۱: ۴۹۶-۴۹۷؛ سمرقندی، بی تا، ج ۳: ۸؛ حجازی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۲۲ و زحیلی، ۱۴۲۲ق.، ج ۳: ۱۹۹۳ تا آن‌ها در کنار یکدیگر به آرامش برسند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲۱: ۲۱) و با هم انس (ر.ک؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق.، ج ۶: ۲۷۸ و سمرقندی، بی تا، ج ۳: ۸)، دوستی و وفاق پیدا کنند (ر.ک؛ خطیب، بی تا، ج ۱۱: ۴۹۶-۴۹۷؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۷۶۳) و این مطلب نشانگر این است که زوجین در فطرت و غرایز با یکدیگر یکسانند (ر.ک؛ حجازی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۲۲).

بنابراین، مفسران شیعه و سنی همگی معتقدند که خداوند همسر انسان را از جنس خودش آفرید تا در کنار زوجش به آرامش برسد و بتواند با او انس و الفت پیدا نماید.

۲-۶. رسیدن به آرامش، هدف والای ازدواج

مفسران شیعه ﴿تَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ را به انس و الفت (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ۲۴۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق.، ج ۵: ۲۵۸) (لَتَطْمَئِنُّوا وَتَمِيلُوا إِلَيْهَا، وَتَأْلَفُوا بَهَا، وَيَسْتَأْنِسُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ)؛ کاشانی، ۱۴۱۰ق.، ج ۲: ۱۰۷۲؛ شبر، ۱۴۱۲ق.، ج ۳۸۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق.، ج ۴۱۸؛ همان، ۱۴۲۴ق.، ج ۴: ۲۳۵؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۴۴۴؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۷۵ و ثقفی تهرانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۵۰-۲۵۱) و تمایل (ر.ک؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷: ۱۶۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۵۴۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۱۲۹ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۱۸۳)، پیدا کردن همسران به یکدیگر و رسیدن ایشان به آرامش (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ۲۴۰؛ صفیعی شاه، ۱۳۷۸: ۵۷۲؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۸۹۹؛ ادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۴-۱۳۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق.، ج ۴۰۶ و مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۹۲)، سکون و اطمینان (ر.ک؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۷۵) در سایه و کنار هم بودن و تکیه به یکدیگر در سختی‌های زندگی (ر.ک؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲ق.، ج ۶: ۲۳۸) تفسیر کرده‌اند.

مفسران اهل سنت نیز این عبارت را به تمایل (ر.ک؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۲۲۸ و حجازی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۲۲) و مأنوس شدن همسران با یکدیگر (ر.ک؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق.، ج ۸: ۹)، آرامش (ر.ک؛ سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۸۸۷؛ سمرقندی، بی تا، ج ۳: ۸؛ خطیب، بی تا، ج ۱۱: ۴۹۷؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۲۲۸ و حجازی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۲۲)، آسایش (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۷۶۳) و نشاط (ر.ک؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۴۱ و خطیب، بی تا، ج ۱۱: ۴۹۷) یافتن ایشان تفسیر کرده‌اند.^۲

بنابراین، مفسران شیعه و اهل سنت ﴿لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ را همان تمایل و انس پیدا کردن زوجین به یکدیگر می‌دانند که با خود آرامش و آسایش را برای ایشان به ارمغان می‌آورد.

۳-۶. مودت و رحمت، هدیه‌ای الهی به زوجین

مفسران شیعه مودت را محبتی که در عمل آشکار باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۶۶؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق.، ج ۳: ۲۱۷) عبارت «در عمل آشکار باشد» را ندارد) و صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۵)، دوست داشتن (ر.ک؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷: ۱۶۹-۱۷۰؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۵۴؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ۲۸۲؛ شبیر، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۸۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق.، ج ۴: ۲۳۵؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۴۴۴؛ صفیعلی شاه، ۱۳۷۸: ۵۷۲؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۸۹۹ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۱۹۱-۱۹۲)، احسان کردن (ر.ک؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۷۵)، حالت در ابتدای ازدواج زن و مرد (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق.، ج ۴: ۴۰۶) تفسیر می‌کنند و رحمت را دلسوزی (ر.ک؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق.، ج ۳: ۲۱۷ و طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۷۵)، مهربانی (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ۲۴۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷: ۱۶۹-۱۷۰؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۵۴؛ شبیر، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۸۳؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ۲۸۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق.، ج ۴: ۲۳۵؛ همان، ۱۴۲۳ق.، ج ۴: ۲۳۵؛ صفیعلی شاه، ۱۳۷۸: ۵۷۲؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۸۹۹ و میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۴۴۴) و حالتی که بعد آغاز زندگی مشترک به وجود می‌آید، می‌دانند (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۱۳۵) (بعد از مودت است که پس از ولادت فرزندان ایجاد

می‌شود) و صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق.: ۴۰۶). همچنین، آن را به معنای نوعی تأثیر نفسانی می‌دانند که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده، نقص او را رفع کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۶۶ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۱۹۱-۱۹۲ (با کمی اختلاف در عبارت)).

مفسران اهل سنت نیز مودت را همان عشق (ر.ک؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳: ۹)، محبت (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲۱: ۲۱؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق.، ج ۷: ۲۹۹؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق.، ج ۶: ۲۷۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق.، ج ۳: ۴۲۰؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۲۲۸؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ۳۲؛ حجازی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۲۲؛ طنطاوی، بی‌تا، ج ۱۱: ۷۶؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق.، ج ۳: ۱۹۹۳ و همان، ۱۴۱۸ق.، ج ۲۱: ۶۷) و دوستی (ر.ک؛ سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۸۸۷ و میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۴۲) و حالتی که در ابتدای ازدواج وجود دارد (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۵: ۹۱-۹۲) می‌دانند و رحمت را به رحم (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲۱: ۲۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق.، ج ۳: ۴۲۰؛ مظهری، ۱۴۱۲ق.، ج ۷: ۲۲۹ و ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ۳۲)، مهربانی (ر.ک؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۴؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۲۲۸؛ طنطاوی، بی‌تا، ج ۱۱: ۷۶ و زحیلی، ۱۴۱۸ق.، ج ۲۱: ۶۷) دلسوزی و همدردی عمیق (ر.ک؛ حجازی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۲۲) و حالتی که پس از گذشت زندگی مشترک که وقتی زن شهوت جنسی خود را به واسطه پیری یا بیماری از دست می‌دهد، مرد با او باقی می‌ماند و برعکس (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۵: ۹۱-۹۲) تفسیر می‌کنند.

بنا بر بررسی انجام شده، مفسران شیعه و اهل سنت در این قسمت آیه نیز اختلافی با یکدیگر ندارند و مودت را به محبت و دوستی تفسیر می‌کنند و رحمت را نیز دلسوزی و مهربانی می‌دانند.

نتیجه‌گیری

در بررسی تفاسیر با رویکردهای مختلف این نکات تفسیری از آیه به دست می‌آید:

- درباره ﴿مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾ می توان گفت همسر انسان از جنس خود او آفریده شده است. بنابراین، در فطرت و غرایز یکسانند و یکدیگر را بیشتر درک می کنند و استمرار حیات نوع بشر به این مسئله بستگی دارد.

- درباره ﴿لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ نیز می توان گفت قلب انسان در کنار همسرش آرام می گیرد. آرامش گرفتن در کنار مونس، عمومی است و به زنان و مردان به تنهایی اختصاص ندارد و آرامش ناشی از ازدواج همه جانبه است و روح، روان و جسم آدمی را سکون می بخشد.

- درباره «مودت» نیز اشاره به این موارد ضروری است. این کلمه به معنای عشق، مهربانی و محبت آمده است. مودت همان عشقی است که در ابتدای ازدواج زن و مرد نسبت به یکدیگر دارند و محبتی است که در عمل آشکار باشد.

- درباره «رحمت» نیز این موارد شایسته ذکر است که این واژه به معنای دلسوزی و رحم کردن آمده است و برخلاف مودت، بعد از آغاز زندگی مشترک ایجاد می شود. رحمت زمانی است که فرد محرومیت را در محرومی که کمالی را ندارد و محتاج رفع نقص است، مشاهده کند و در این موقع، به کمک او می شتابد.

بررسی رویکردی آیه به این نکته رهنمون می شود که هر چند مفسران با رویکردهای مختلف به این آیه پرداخته اند، اما برداشت های مشابهی از آیه داشته اند.

پس از بررسی تفسیر تطبیقی آیه نیز این نتیجه حاصل می شود که مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر این آیه نظراتی هماهنگ دارند و اختلاف شایسته توجهی با یکدیگر ندارند.

در این آیه می توان توسعه معنایی داد و حکمت کلی زوج بودن، یعنی مذکر و مؤنث بودن انسان را استخراج نمود که از نشانه های قدرت، عظمت و علم الهی است که از جنس خود مرد برایش همسر و از جنس خود زن برایش شوهر قرار داده است که در صورت تحقق رابطه زوجیت شرعی، این نشانه الهی حکمت خود را نشان خواهد داد؛ یعنی بعد از این علقه زوجیت، آرامش و سکون خواهد آمد و در ادامه، مودت و رحمت خواهد بود.

همه تفاسیر به صورت جامع به این آیه و فرازهای آن نپرداخته‌اند، بلکه به جز اندکی از تفاسیر، مابقی گذرا از کنار آن رد شده‌اند. آن مفسران که در اقلیت هستند، توسعه معنایی و مصداقی داده‌اند؛ یعنی در جنبه‌های مختلف روحی و روانی و فکری و... حکمت این زوجیت را تشریح نموده‌اند. از این آیه نمی‌توان ارتباط بین دو جنس مخالف را جز از راه شرعی یا حفظ حدود شرعی توجیه نمود که چهار حالت از رابطه بین زن و مرد نامحرم متصور است:

۱- رابطه زن و شوهری که با نکاح انجام می‌پذیرد و مورد تأکید اسلام است.

۲- رابطه علمی که با حفظ حدود شرعی بدون اشکال است.

۳- رابطه شغلی و کاری که با حفظ حدود شرعی بلا مانع است.

۴- رابطه دوستی که پسندیده نیست و اسلام مجوز نمی‌دهد.

راهکارها

۱. خالق متعال در زندگی بشر راه‌هایی قرار داده تا انسان‌ها به سر منزل مقصود و کمال نهایی خود برسند. یکی از این راه‌ها، آرامشی است که در پرتو ازدواج برای انسان حاصل می‌شود. طبق آیه ۲۱ سوره روم، هدف از ازدواج، رسیدن زوجین به آرامش است. هر چند بسیاری از مفسران در تفسیر این آرامش که روحی است یا جسمی، نظری ارائه نداده‌اند و نیز مفسرانی که نظرشان را بیان نموده‌اند، بر سر آن اختلاف دارند، ولی به طور کلی، می‌توان گفت آرامش حاصل از ازدواج نقش بسزایی در سعادت انسان دارد؛ زیرا فردی که همسر دارد و به غریزه جنسی خود به گونه صحیح پاسخ داده، بهتر می‌تواند عفت خویش را در برخورد با نامحرم حفظ کند و دچار گناهان منافی عفت نشود. همچنین، شخص در سایه این آرامش به نحو بهتری می‌تواند بر رابطه خویش با پروردگارش تمرکز کند و از عبادت لذت کامل ببرد. در راستای رسیدن به این هدف والا باید آگاهی زوجین را در زمینه فراهم کردن آرامش آنان در جنبه‌های گوناگون زندگی افزایش داد. این کار از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی قبل از ازدواج و پس از آن با همین عنوان ممکن است.

۲- تألیف کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های عمیق و کاربردی در موضوع عوامل تداوم مودت و رحمت در زندگی زناشویی ضروری است و نیز به روز شدن و موضوعی و کاربردی بودن تفاسیر در حلّ معضلات خانوادگی و اجتماعی و نیز رشد و بالندگی جامعه اسلامی نقش بسزایی دارد.

۳- فعالیت ویژه فقها، علما، طلاب، روان‌شناسان و متخصصان فن در فضای مجازی و پاسخگویی به سؤالات در باب مسائل ازدواج، زناشویی و روابط همسران.

۴- پرداختن به این نکته ضروری است که چرا با وجود این مسئله، بسیاری از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود. در پاسخ باید گفت اسلام برای تمام مراحل قبل از ازدواج و پس از آن به زنان و مردان راهکارهایی ارائه می‌دهد. بنابراین، به میزان دور شدن همسران از محور دستورهای اسلامی، مواجه شدن با اختلافات زناشویی و طلاق امری طبیعی است. بنابراین، اگر زن و مرد بر طبق معیارهای صحیح به تشکیل خانواده بپردازند و قرآن و عترت را در رفتار با یکدیگر الگو قرار دهند، شاهد برقراری آرامش در زندگی خود خواهند بود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- در میان مفسران اهل سنت، تنها فخر رازی نظری متفاوت با دیگر مفسران دارد. او در تفسیر خود می‌گوید: «زنان همانند چهارپایان برای ما خلق شدند و خداوند آن‌ها را برای ما خلق کرد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ۹۱). پاسخ کلامش در بخش پیشین از نظر گذشت.
- ۲- تنها مفسری که نظری مخالف با سایر مفسران دارد، فخر رازی است که او معتقد است زن و مرد در کنار یکدیگر آرامش نمی‌گیرند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ۹۱).

منابع و مأخذ

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن. (۱۴۲۲ق.). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. تحقیق عبدالرزاق المهدی. ج ۱. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمدبن طاهر. (بی‌تا). *التحریر و التنویر*. بی‌جا: بی‌نا.

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*. تحقیق محمد حسین شمس‌الدین. چ ۱. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. چ ۳. بیروت: دار صادر.
- بانوی اصفهانی، نصرت امین. (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- بغدادی، علاء‌الدین علی. (۱۴۱۵ق.). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. تصحیح محمدعلی شاهین. چ ۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق.). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. تحقیق عبدالرزاق المهدی. چ ۱. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد. (۱۴۲۲ق.). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تقفی تهرانی، محمد. (۱۳۸۹). *تفسیر روان جاوید*. چ ۳. تهران: انتشارات برهان.
- حجازی، محمد محمود. (۱۴۱۳ق.). *التفسیر الواضح*. چ ۱۰. بیروت: دار الجیل جدید.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). *تفسیر اثنا عشری*. چ ۱. تهران: انتشارات میقات.
- حسینی شیرازی، محمد. (۱۴۲۳ق.). *تبیین القرآن*. چ ۲. بیروت: دارالعلوم.
- _____ (۱۴۲۴ق.). *تقریب القرآن الی الأذهان*. چ ۱. بیروت: دارالعلوم.
- حسینی همدانی، محمد حسین. (۱۴۰۴ق.). *انوار درخشان*. تحقیق محمدباقر بهبودی. چ ۱. تهران: کتابفروشی لطفی.
- خطیب، عبدالکریم. (بی تا). *التفسیر القرآنی للقرآن*. بی جا: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*. چ ۱. قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.

- زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق.). *التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج*. ج ۲. بيروت: دارالفكر المعاصر.
- _____ . (۱۴۲۲ق.). *تفسير الوسيط (زحیلی)*. ج ۱. دمشق: دار الفكر.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (بی تا). *بحر العلوم*. بی جا: بی نا.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد. (۱۳۸۰). *تفسیر سورآبادی*. تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی. ج ۱. تهران: فرهنگ نشر نو.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. ج ۱۷. بیروت - قاهره: دارالشروق.
- شبر، سید عبدالله. (۱۴۰۷ق.). *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*. مقدمه سید محمد بحر العلوم. ج ۱. کویت: مکتبة الألفین.
- _____ . (۱۴۱۲ق.). *تفسیر القرآن الکریم (شبر)*. ج ۱. بیروت: دار البلاغة للطباعة والنشر.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. ج ۱. تهران: دفتر نشر داد.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. ج ۲. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- _____ . (۱۴۱۹ق.). *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*. ج ۱. قم: محمدصادقی تهرانی.
- صفیعلی شاه، حسن بن محمد باقر. (۱۳۷۸). *تفسیر صفی*. ج ۱. تهران: انتشارات منوچهری.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۸۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ . (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مقدمه محمدجواد بلاغی. چ ۳. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طنطاوی، سیدمحمد. (بی تا). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. بی جا: بی نا.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عامل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۲. تهران: انتشارات اسلام.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. چ ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق.). *العين*. چ ۲. قم: انتشارات هجرت.
- فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر من وحی القرآن*. چ ۲. بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.
- فیض کاشانی، محسن. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر الصافی*. تحقیق حسین اعلمی. چ ۲. تهران: انتشارات الصدر.
- فیومی، احمدبن محمد. (بی تا). *المصباح المنیر*. بی جا: بی نا.
- قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ق.). *محاسن التأویل*. تحقیق محمد باسل عیون السود. چ ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷). *تفسیر أحسن الحدیث*. چ ۳. تهران: بنیاد بعثت.
- _____ (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. چ ۶. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تحقیق حسین درگاهی. چ ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

- کاشفی سبزواری، حسین بن علی. (۱۳۶۹). *مواهب علیة*. تحقیق سید محمدرضا جلال نائینی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- کاشانی، فتح الله. (۱۳۳۶). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
- _____ (۱۴۲۳ق.). *زبدة التفاسیر*. ج ۱. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کاشانی، محمدبن مرتضی. (۱۴۱۰ق.). *تفسیر المعین*. تحقیق حسین درگاهی. ج ۱. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- کریمی حویزی، محمد. (۱۴۰۲ق.). *التفسیر لکتاب الله المنیر*. ج ۱. قم: چاپخانه علمیه.
- گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق.). *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*. ج ۲. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶ق.). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. ج ۱. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مظهری، محمد ثناء الله. (۱۴۱۲ق.). *التفسیر المظهری*. تحقیق غلام علی تونسلی. پاکستان: مکتبة رشدية.
- مغنیه، محمد جواد. (بی تا). *التفسیر المبین*. قم: بنیاد بعثت.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۱. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- میددی، احمد بن ابی سعد. (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*. تحقیق علی اصغر حکمت. ج ۵. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- میرزا خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰). *تفسیر خسروی*. ج ۱. تهران: انتشارات اسلامیة.
- نخجوانی، نعمت الله بن محمود. (۱۹۹۹م.). *الفواتح الإلهیة و المفاتح الغیبیة*. ج ۱. مصر: دار رکابی.
- نوی جاوی، محمدبن عمر. (۱۴۱۷ق.). *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*. تحقیق محمدآمین الصناوی. ج ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی